

قال رسول الله (ص): نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَالِدَيْهِ حُبًّا لَهَا عِبَادَةٌ

نگاه دوستانه فرزند به پدر و مادر خود عبادت است.

عشق و عبودیت در دعاهای حضرات معصومین (ع).....

سید قوام‌الدین حسینی سیاهکلرودی
کارشناس ارشد فلسفه اسلامی

چکیده

دعاهای حضرات معصومین (ع) سرشار از اسرار توحید و رموز عشق و عبودیت است. برای دستیابی به این گنجینه اسرار باید در این دعاها تأمل و به آنها انس گرفت. برای رهیابی بدین مقصود، باید به دعا با نگاهی ژرف و عمیق نگریست. از این گذر این نوشتار با بیان نکاتی درباره دعا آغاز و پس از اشاره به وجود عشق و حب در متون دینی و دعا، برخی آثار و لوازم عشق سوزان آن حضرات به خدای متعال را در دعاهای آنان بر شمرده است. آثار این چنین، مقصود نهایی، وصال محبوب، درد هجران، ذکر محبوب، انس و تملق، شوق دیدار. در بخش پایانی از طلب صادقانه آن حضرت سخن به میان آمده نکاتی چون، راه نزدیک و حجاب جمال دوست، بهترین توشه، اغتنام فرصت، سرمایه طلب، حسن ظن به خدای متعال، اعتراف به گناه، سرّ توحید در طلب و موانع طلب و بندگی در دعاهای آنان آمده است.

کلید واژه: دعا، عشق، طلب، عبودیت، توحید

دعاهای حضرات معصومین (ع) سرشار از معارف عالیه توحید و اسرار عشق و طلب و رموز عبودیت است. همه لطایف و دقایقی که در دعاهای آنان نهفته است، در روایات وجود ندارد؛ زیرا آنان در روایات با مردم روبه‌رو بودند و به فراخور فهم و دانش مردم سخن گفته‌اند، نه آنچه می‌یافتند و گفتنی بود.^۱

امام صادق (ع) در این باره چه نیکو فرمود: مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ، وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا مَاضِيَ الْأَنْبِيَاءُ أَمْرُنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ.^۲
پیامبر (ص) هیچ‌گاه با مردم از عمق عقل خویش سخن نگفت و می‌فرمود: ما پیامبران مأموریم با مردم به اندازه عقلشان سخن گوئیم.

و از این روست که از عمق معارفی که حضرات معصومین (ع) فرموده‌اند می‌توان به پایه فهم و دانش راویان احادیث پی برد.^۳

اما در دعاها و مناجات با جمال مطلق و محبوب حقیقی در راز و نیاز بودند، و آنچه در نمان خانه سر داشتند به زبان می‌آوردند و با نهایت عقلشان با خدا مناجات می‌کردند. و از این گذر دعاهای حضرات معصومین (ع) بسان قرآن، دریایی از معارف الهی است و برخی آنها را «قرآن صاعد» نامیده‌اند^۴ و با همین دعاهاست که می‌توان به اوج مقامات معنوی آنان پی برد.^۵

با تأمل در این دعاها و انس با آنها می‌توان در حد فهم و شایستگی خود به برخی از اسرار توحید و رموز عشق و عبودیت دست یافت. این دعاها همانند قرآن، خوان گسترده‌ای هستند که انسانها را به مهمانی خویش دعوت می‌کنند^۶ و درهایی از نور هدایت به سوی انسان می‌گشایند و راه رسم عشق و طلب و بندگی، و راز و نیاز با خدای متعال را می‌آموزند. به بیان کمال اصفهانی:
بَر ضِیَافَتَخَانَةِ فِیضِ نَوَالِشِ مَنعَ نِیست در گشاده است و صلا در داده خوان انداخته^۷

با سیری در ادیان جهان و تاریکیها و گمراهیهایی که هم‌اکنون بر فکر و جان بشر سایه افکنده، بی‌اختیار انسان سر تعظیم و ستایش در برابر خدای متعال می‌ساید که ما را در برابر چنین خوان گسترده و معارف بلند قرار داده است. باید در شکر این نعمت کوشید و در تأمل، تحقیق و بهره‌گیری و معرفتی آنها تلاش کرد.

خوشبختانه، مردم و رسانه‌های عمومی به‌ویژه صدا و سیما، در سالهای اخیر توجه بیش‌تری به دعاها و زیارات پیدا کرده‌اند. از سویی از این حرکت عمومی و نسیم انس الهی که جانها را حیات می‌بخشد نباید غفلت ورزید و از سوی دیگر باید در فهم عمیق و انس به دعاها افزود. سالهاست که استاد علامه حسن‌زاده آملی (دام‌ظله) پیشنهاد کرده‌اند کتب دعا در حوزه‌های علمیه درسی گردد و اساتید زبان فهم و آشنا به معارف الهی این کتابها را تدریس کنند.^۸

قبل از تأمل در لطائف دعاهای حضرات معصومین (ع)، توجه به نکاتی لازم است:

۱. خدای متعال خود از بندگان خواسته است که به پیشگاه او راز و نیاز برند و حاجاتشان را از او

بنخواهند و به آنها وعده اجابت داده است.^۹

۲. عرض حاجت در پیشگاه الهی تنها موجب برآوردن حاجت نیست؛ بلکه عبادتی بزرگ است. خدای متعال در قرآن کریم کسانی را که تکبیر می‌ورزند و از عبادت روی برمی‌گردانند از آتش دوزخ ترسانیده است.^{۱۰} امام باقر(ع) در تفسیر این آیه کریمه فرموده است: «مقصود از عبادت، دعاست و بهترین عبادت دعا است.^{۱۱} نیز رسول خدا(ص) فرموده است: «دعا مغز عبادت است.^{۱۲}»
 ۳. دعا، روی گردانیدن از هر چه جز خداست و روی آوردن به سوی کسی که همه هستی به دست اوست. از این رو توحید را در انسان زنده می‌دارد و روح می‌بخشد.

۴. حاجات را می‌توان همانند وسایلی دانست که انسان را متوجه خدای متعال می‌سازند و به عبادت و نیایش او فرامی‌خوانند. از این روست که خدای متعال گناه که بنده‌ای را می‌پسندد، استجاب دعايش را به تأخیر می‌اندازد تا بیش‌تر رو به سوی خدا آورد.^{۱۳}

۵. آنچه در یاد خدای متعال و درخواست و راز و نیاز با اوست، بسیار مهم‌تر از خواسته‌ای است که از او می‌خواهیم. دعا یاد خدا و همنشینی با اوست.^{۱۴} انس با خدا و ملکوت، باطن را صفا و نورانیت می‌بخشد. و دعاکننده را به خدای متعال نزدیک می‌سازد. در حدیث قدسی از پیامبر اکرم(ص) نقل است که خدای متعال فرمود:

کسی که یاد من به وقت نیایش او را از خواسته‌اش غافل سازد، بالاتر از آنچه به درخواست‌کنندگان عطا می‌کنم، به وی خواهم داد.^{۱۵}

از امام صادق(ع) نقل است که فرمود: خدا را در یک بار خواندم و اجابتم کرد؛ ولی حاجتم را از یاد بردم؛ زیرا اجابت و روی آوردن خدای متعال به بنده هنگام دعا بزرگتر و بالاتر از چیزی است که بنده از او می‌خواهد، گرچه بهشت و نعمتهای جاودانش باشد.^{۱۶}

نمونه آشکار این‌گونه دعاها، دعای معروف سحر است. امام باقر(ع)، این دعا را در سحرهای ماه مبارک رمضان می‌خواندند. جلال و جمال الهی در این دعا تمام هستی امام را فرامی‌گیرد و او را به ستایش خدای متعال و سیر در اسماء حسنايش فرامی‌خواند. امام(ع) در سراسر این دعا خدای متعال را می‌ستاید، و خدای متعال و رازگویی با او مهم‌ترین خواسته امام می‌گردد، و او را از توجه به خواسته‌های دیگر باز می‌دارد. این‌گونه دعاها، تنها ویژه امام معصوم(ع) نیست؛ زیرا آنان خود این دعاها را به پیروانشان آموختند و از آنان خواستند که چنین با خدای متعال راز گویند.^{۱۷} مرحوم ملاهادی سبزواری در مقدمه شرح دعای جوشن کبیر در سبب تألیف این کتاب آورده است:

چون سراسر این دعا اسماء الهی است و از غیر او سخن نمی‌گوید، نظرم را جلب نمود. دعا‌های حضرات معصومین(ع) همانند حلقاتی است که هر کدام در جای خود لازم‌اند، و شایسته نیست که یکی را بر دیگری ترجیح داد. با این همه، دعاها به لحاظ مقامات دعاکنندگان و احوال

ذکرکنندگان متفاوت‌اند. من برخی فصول این دعا را در قنوت نمازهایم می‌خواندم و این دعا دین بزرگی بر من در وصول به مقامات توحید دارد و از این رو به شرح آن پرداختم.^{۱۸}

۶. نقش تربیتی دعا، در توجّه به خدای متعال و عمق بخشی به توحید سبب گردید امامان معصوم (ع) از پیروانشان بخواهند تا کوچک‌ترین چیزها مثل نمک غذا را نیز از خدای متعال بخواهند.^{۱۹} و از دعا در هیچ حال غفلت نکنند. با این همه آنان به پیروانشان آموختند که در دعا همتی بلند داشته باشند و در زمانها و مکانهایی که دعا به استجابت نزدیک‌تر است، خواسته‌های بزرگ‌تری همانند محبت خدا و اولیای خدا و شهادت در راه او را از خدای متعال بخواهند. در روایت است که در مکه به امام سجاده (ع) خبر رسید موقوفات ویژه‌ای را که در مدینه در تحت سرپرستی ایشان بود غصب کرده‌اند. برخی از همراهان به آن حضرت پیشنهاد کردند که در این باره نزد ولید بن عبدالملک - خلیفه وقت که در آن سال به مکه آمده بود - شکایت کند. امام (ع) فرمودند: «آیا در حرم الهی از غیر خدا چیزی بخواهم؟! من در چنین جایی پروا می‌کنم که از خدای متعال متاع دنیایی بخواهم تا چه رسد به اینکه از مخلوقی همانند خود طلب نمایم.»^{۲۰}

۷. قلب یکی از ارکان مهم وجود انسانی است. قلب در فرهنگ قرآنی مرکز ادراکات و عواطف است.^{۲۱} قرآن صفاتی مانند اندیشیدن، خشوع، نرمی، رأفت، رحمت، ترس و اضطراب، حسرت، غیظ، قساوت و غلظت را به قلب نسبت می‌دهد.^{۲۲}

حالات و حرکات قلبی نقش اساسی در حیات روحانی و باطنی انسان دارد. حرکات قلب دارای احکام و ویژه‌ای است و بسان حرکات عالم طبیعت نیست. هر فکر و نیتی و هر محبت و دشمنی در قلب، عالم باطنی انسان را متحول می‌سازد. قلب به هر سو توجه کند و محبت ورزد، در حقیقت در همان جاست و در باطن با سرعت به سوی آن حرکت می‌کند. باتوجهی به خدای متعال به پیشگاه الهی راه می‌یابد و تا عرش خدا صعود می‌کند و باتوجهی به دنیا و دلبستگی‌های آن سقوط می‌کند و عالم باطنی‌اش را تاریک و ظلمانی می‌سازد. در حقیقت، در این حال که در فکر غیر خداست در حال دعا و عبادت نیست گرچه به ظاهر در حال عبادت و دعا باشد. از این رو دعای حقیقی آن است که قلب در آن حاضر و متوجه خدا باشد.^{۲۳}

انحراف مسلمانان معاصر اهل بیت پیامبر (ع) از راه آنان دست ما را از بسیاری از معارف از جمله دعا‌های آنان کوتاه کرده است. با این همه آنچه از دعا‌های حضرات معصومین (ع) در دست است، فرهنگی غنی و بزرگ از معارف الهی و اسرار عشق و عبودیت است و محتاج نگاهی نو و تأملی دوباره در آنها.

عشق و محبت در متون دینی و ادعیه: دعاهای حضرات معصومین (ع) گواه عشق و طلب صادقانه آنان نسبت به حضرت حق است. محبت شدید را عشق گویند.^{۲۴} عشق از ریشه عَشَقَه است و آن نام گیاهی است که در فارسی پیچک گوئیم. این گیاه چون بر درختی پیچد سراسر آن را فراگیرد، محبت شدید را نیز که همانند عشقه همه قلب را فراگیرد عشق نامیده‌اند.^{۲۵} قرآن این واژه را به کار نبرده است. به جای آن از واژه‌هایی مانند محبت، ود و مودت استفاده کرده است. در برخی روایات واژه عشق آمده است. از جمله در کافی از رسول اکرم (ص) نقل است: «أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشَقَ الْعِبَادَةَ، فَعَانَقَهَا وَ أَحَبَّهَا بِقَلْبِهِ وَ بَأْسَرَهَا بِجَسَدِهِ»^{۲۶} «بهترین مردم کسی که به عبادت عشق ورزد. پس عبادت را در آغوش گیرد و با قلب دوست بدارد و با تن خود انجام دهد.» در این روایت حب و عشق بجای همدیگر به کار رفته و گواه بر آن است که عشق همان حب است. روایات عشق حقیقی یعنی عشق به خدای تعالی را ستوده‌اند و عشقهای مجازی به غیر خدا را مذمت کرده‌اند. در روایتی از پیامبر خدا (ص) آمده است:

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَى الْعَبْدِ الْاِسْتِغَالُ بِي جَعَلْتُ بُغْيَتَهُ وَ لَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي فَإِذَا جَعَلْتُ بُغْيَتَهُ وَ لَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي عَشِقْتَنِي وَ عَشِقْتُهُ فَإِذَا عَشِقْتَنِي وَ عَشِقْتَهُ رَفَعْتُ الْحِجَابَ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَهُ وَ صَيَّرْتُ ذَلِكَ تَغَالِبًا عَلَيْهِ لَا يَشْهَوُ إِذَا سَهَا النَّاسُ.

خدای عزوجل می‌فرماید: هرگاه اشتغال به من بر جان بنده غالب آید، خواهش و لذت او را در یاد خودم قرار دهم، و چون خواهش و لذتش را در یاد خودم قرار دهم عاشق من گردد، و من نیز عاشق او. چون عاشق یکدیگر شدیم پرده میان خود و او را بالا زیم و آن را بر جان او مسلط گردانم طوری که وقتی مردم دچار سهو و اشتباه می‌شوند او دستخوش سهو نمی‌گردد.^{۲۷}

در مذمت عشق مجازی از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: «دلهایی که از یاد خدا تهی می‌گردند، خداوند محبت غیر خود را به آنها می‌چشاند.»^{۲۸}

حب و عشق در دعای: حقیقت حب و بغض، و جایگاه آن در قلب است و آثارش را در قوا و جوارح آشکار می‌سازد. پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) از خدای متعال می‌خواستند که تمام زوایای قلبشان را از محبت خود پر سازد و همه هستی آنان را از محبت خود سیراب گردانند، مقصودی جز او نداشت، باشند و جز با او انس نگیرند و جز به آنچه رضای اوست محبت نورزند. حضرت امام زین العابدین (ع) در دعای ابو حمزه ثمالی عرضه می‌دارد:

اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَلْكَ أَنْ تَمَلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ.

خدایا از تو می‌خواهم که قلبم را از محبت خو پر سازی.

حضرت امیر المؤمنین (ع) در دعای کمیل بر زبان می آورد:

وَاجْعَلْ... قَلْبِي بِحَبِّكَ مُتِيماً.

خدایا! قلبم را خاضع و تسلیم محبت خود گردان.

در لسان العرب آمده است: تَيْمَمَةُ الْحَبِّ إِذَا اسْتَوَى عَلَيْهِ؛^{۲۹} زمانی گویند قلب با حب «متیم» گردید که محبت بر قلب استیلا و سیطره یابد. از برخی کلمات اهل تحقیق برمی آید که «متیماً» اشاره به بالاترین درجات محبت و عشق است.^{۳۰}

مقصود نهایی: اهل بیت (ع) براساس حب و عشقی که به خدای متعال داشتند، او را مقصود، مطلوب و آرزوی نهایی خود معرفی کردند. در دعای کمیل آمده است: «يَا غَايَةَ أُمَالِ الْعَارِفِينَ... و یا حبيب قلوب الصادقين؛ ای نهایت آرزوی عارفان... و ای محبوب قلب های صادقان!» و در دعای صباح امیر المؤمنین (ع) آمده است: «أَنْتَ غَايَةُ مَطْلُوبِي وَ مُسْنَى فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ؛ تو نهایت مطلوب و آرزویم در دنیا و آخرتی!»

وصال محبوب: عشق و حب، وصال به محبوب را طلب می کند. امامان معصوم (ع) با عشق صادقانه به خدای متعال طالب وصال او و شهود قلبی جمال او بودند. امام حسین (ع) در دعای عرفه می گوید:

إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بُعْدَ الْمَزَارِ فَأَجْمَعُنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَتِهِ تُوَصِّلُنِي إِلَيْكَ

خدایا! تفکر در آثار و نشانه های تو، مایه دوری از دیدار توست مرا به خدمتی گمار که مرا به تو رساند.

در جای دیگر از همین دعا آمده است: «مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ؛ از تو خواهم وصال را!» همچنین آمده است:

إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ وَاجْزِبْنِي بِمَنِّكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ.

خدا به رحمت مرا طلب نما تا بتو رسم. و به فضل خود جذبم نما تا به تو روی آورم.

درد هجران: فراق محبوب جان عاشق را می سوزاند و حافظ در این باره می گوید:

آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت	سینه از آتش دل در غم جانانه بسوخت
جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت	تنم از واسطه دوری دلبر بگداخت
دوش بر من ز سر مهر چو پروانه بسوخت	سوز دل بین که ز بس آتش و اشکم، دل شمع

حضرت امیر المؤمنین (ع)، درد دوری از خدای متعال را چنین در دعای کمیل بیان کرده است:

قَهْبَنِي يَا اَلْهُي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرْتُ عَلٰى عَذَابِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَلٰى فِرَاقِكَ.

ای خدای من، و آقای من! گو که من بر عذاب تو صبر کنم پس چگونه بر دوری و جدایی تو تاب آورم و صبر کنم.

علی بن ابی طالب (ع) صاحب مقام «لَوْ كُشِفَ الْغَطَاءُ» و آگاه بر بهشت و دوزخ است. اوست که می‌داند جهنم و آتش سوزان آن چیست و با این همه چنین از درد فراق می‌نالند.

شفاعت محبت: امامان معصوم (ع) در مقام دعا و طلب رحمت الهی، محبت را شفیع درگاه او قرار داده‌اند. در دعای ابو حمزه آمده است: «جَبِّي لَكَ شَفِيعِي الْيَك؛ محبت به تو و شفیع من نزد توست.» در همین دعا آمده است: «لَئِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ لَأُخْبِرَنَّ اَهْلَ النَّارِ بِجَبِّي لَكَ. خدایا! اگر در آتشم داخل کنی، اهل آتش را از محبت به تو آگاه خواهم ساخت.» در دعای شعبانیه نیز آمده است: «اِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ اَعْلَمْتُ اَهْلَهَا اَنِّي اُحِبُّكَ.»

مشکلات عشق: راه عشق و محبت بارنج و بلا و مشکلات پی‌درپی همراه است. حافظ در این باره می‌گوید:

تا شدم حلقه به گوش در میخانه عشق	هر دم آید غمی از تو به مبارک بادم
حافظ آن روز طرب نامه عشق تو نوشت	که قلم بر سر اسباب دل خرم زد
مشکل عشق نه در حوصله‌ی دانش ماست	حل این نکته بدین فکر خطا نتوان کرد

امام زین العابدین (ع) در دعای مکارم اخلاق - دعای بیستم صحیفه سجّادیه - از خدای متعال راهی آسان را برای رسیدن به محبت الهی درخواست می‌کند:

وَاَنْهَجْ لِي اِلَى عَمِيَّتِكَ سَبِيلاً سَهْلاً اَكْمِلُ لِي بِهَا خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

بارالها! راهی آسان - و آشکار - به سوی محبت و دوستی خود پیش پایم بنه و با آن خیر دنیا و آخرت را برابم کامل فرما.

امام (ع) در این دعا کمال خیرات دنیوی و اخروی را در محبت خدای متعال می‌داند. منظور امام (ع) از خیر دنیا بسیاری مال، فرزندان و امکانات دنیوی نیست؛ بلکه منظور چیزهایی است که انسان را در تحصیل سعادت اخروی یاری می‌نماید.^{۳۱} چنانکه امیر المؤمنین (ع) در پاسخ از اینکه خیر چیست فرمودند:

خیر آن نیست که داراییات فراوان یا فرزندان بسیار باشند؛ بلکه خیر آن است که علمت افزون، و بردباریات بسیار باشد و اگر بر مردم می‌بالی، نازش توبه پرستش پروردگارت باشد. پس اگر نیکی کردی خدای، را شکر کنی و اگر بدی نمودی از او آمرزش بخواهی. در این جهان خیری نیست

مگر برای دو کس: مردی که گناهی می‌کند و به توبه جبرانش می‌نماید و مردی که برای کارهای خیر می‌شتابد. ۳۲

چون محبت به خدا موجب یاد خداوند و اطاعت از اوست کمال خیر دنیا و خیر آخرت در پی دارد. امام حسین (ع) در دعای عرفه می‌گوید:

خَيْرَتِ صَفَقَةِ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيْبًا.

زیانکار است معامله بنده‌ای که از محبت خود بهره‌مندش نکردی.

مهم‌ترین سرمایه انسان برای تحصیل سعادت اخروی محبت الهی است و کسی که از محبت خدای متعال بی‌نصیب است، زیانکار است.

ذکر محبوب: از آثار صدق محبت و دوستی، بی‌گمان یاد پی‌درپی محبوب است. امام زین‌العابدین (ع) در دعای ابو حمزه فرماید: «وَ يَذْكُرِكَ عَاشِقَ قَلْبِي؛ قلبم به یاد تو زنده است»

در دعای شعبانیه امام امیرالمؤمنین (ع) بعد از درخواست افزایش محبت الهی می‌فرماید:

«وَأَلْمِئِي وَ هَلَّا بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ؛ شیدایی و شیفتگی به یاد پی‌درپی و مدام تو را به من الهام نما.»

در دعای کمیل آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ؛ خدایا من با یاد تو به تو نزدیک

می‌گردم.»

انس و تملق: عاشق با یاد معشوق لذت می‌برد و در پیشگاه او زبان به تملق می‌گشاید. در دعای

عرفه آمده است:

يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ حَلَاوَةَ الْمُوَانَسَةِ فَعَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ.

ای کسی که شیرینی انس با خود را به دوستانش چشاندید و آنان تملق‌گویان در برابرش ایستادند.

شوق دیدار: شوق دیدار محبوب هر لحظه عاشق را به محبوبش نزدیک می‌سازد.

در دعای شعبانیه امام (ع) از خدای متعال قلبی طلب می‌کند که شوق به خدای متعال لحظه به

لحظه آن قلب را به او نزدیک می‌سازد: «إِلٰهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ.»

غیرت محبوب: معشوق ازلی غیور است و محبت غیر خود را در قلب عاشق بر نمی‌تابد. از

این رو، راه رسیدن به محبت الهی و اخلاص در آن، دل‌کنندن از هر چه غیر اوست. امامان

معصوم (ع) از خدای متعال کمال انقطاع به سوی او را می‌طلبیدند در دعای شعبانیه آمده است:

«هَبْ لِي كِمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ.»

همین کمال انقطاع و قطع هرگونه دل‌دادگی به غیر اوست که قلب را نورانی و مهیای نظر به

حق و کنار افکندن حجاب‌های نورانی می‌کند تا شایسته تعلق به عزّ قدس الهی گردد.

حافظ در این باره گوید:

من همان دم که وضو ساختم از چشمه عشق چار تکبیر زدم یکسره بر هرچه که هست
در جایی دیگر گوید

با مدعی مگویی اسرار عشق و مستی تا بسی خبر بمیرد در درد خودپرستی
تا فضل و عقل بینی بی معرفت نشینی یک نکته‌ات بگویم خود را مبین که رستی

سِرِّ توحید: دعا بر حاجت خواهی در پیشگاه الهی، یعنی خدای متعال را موثر حقیقی دانستن و نیازها را از او طلبیدن. بدین سان، دعا، توحید را در جان دعا کننده زنده می‌کند و روح می‌بخشد. گذشته از نفس دعا، آنچه در مضامین دعاهاى حضرات معصومین (ع) به چشم می‌خورد، سِرِّ توحید است. آنان بر اثر غلبه توحید بر روح و جانشان، وجود و همه کمالات وجودی را از خدای متعال می‌بینند و از او طلب می‌کنند. از این گذر رسیدن به مراتب بالای توحید و قرب به خدا و همه آنچه را در حرکت به سوی او لازم است از او می‌خواهند و نظری به خود و مجاهدات عبودی خود ندارند. مجاهدات عبودی در مقام طلب و سیر به سوی خدای متعال از ضروریات است. اما فقط خداست که لحظه به لحظه توفیق مجاهدات عبودی به بنده می‌دهد و او را از خطرات حفظ می‌کند و در مراتب کمال پیش می‌برد. از این گذر بنده باید با سعی و تلاش تمام در انجام مجاهدات همه توفیقات را از او ببیند و در مقام دعا از او طلب نماید. باید به این نکته توجه کرد راه طلب و عبودیت راه وصول به توحید است و نظر به غیر حق گرچه به خود و مجاهدات عبودی باشد با توحید و عشق و حب به خدای متعال ناسازگار است. حافظ در این باره می‌گوید:

گرچه وصالش نه به کوشش دهند آن قدر ای دل که توانی بکوش

حضرت امیرالمؤمنین (ع) در دعای کمال بعد از اینکه توفیق انجام مجاهدات و حالات خوش عبودی را از خدای متعال طلب می‌کند، در بیان علت خواستن این حالات و مقامات از خدای متعال می‌گوید: «قَائِلَةٌ لَا يُؤَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ؛ زیرا بدین خواسته‌ها و مقامات نتوان رسید جز به فضل تو.»

حضرت امام حسین (ع) در دعای عرفه در این مقام می‌فرماید:

أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقْتَ الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ أَنْتَ الَّذِي أَزَلْتَ الْأَغْيَارَ عَنِ قُلُوبِ أَجْبَانِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوْا سِوَالَ.

خدایا تویی که انوارت را به قلبهای دوستانت تاباندی تا تو را شناختند و یگانه دانستند! تویی که دیگران را از قلب دوستدارانت بیرون راندی تا غیر تو را دوست ندارند.

اسرار طلب و عبودیت در دعا: طلب صادقانه و بندگی و مجاهدت در مقام طلب گواه صدق در عشق و محبت است. محبت بدون مجاهدت و بندگی غیر صادقانه است و ادعایی بیش نیست.

خدای متعال به پیامبر اکرم (ص) فرمود:

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ. ۳۳

بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا او نیز شما را دوست بدارد.

قرآن کریم پیامبر اکرم (ص) را اسوه طلب و مجاهدت عبودی معرفی می‌کند.

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا.

برای شما اگر به خدا و روز قیامت امید می‌دارید و خدا را فراوان یاد می‌کنید، شخص رسول الله مقتدای پسندیده‌ای است.

همه حیات پیامبر اکرم (ص) و امام معصوم (ع) طلب و بندگی بوده است. قرآن در معرفی طلب

و بندگی پیامبر (ص) چنین می‌فرماید:

قُلْ إِنْ صَلَّاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

بگو: نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من همه برای خداوند پروردگار جهانیان است.

حضرات معصومین (ع) در دعاها با بیانات مختلف توفیق برای بندگی و مجاهدت را از خدای متعال می‌خواستند و در عین مجاهدات پیگیرشان، از قصور و کوتاهی در بندگی و مجاهدت از خدای متعال آرزو می‌طلبیدند. این دعاها راه و رمز عبادت و بندگی را به ما می‌آموزند و درس طلب و مجاهدت صادقانه می‌دهند.

راه نزدیک و حجاب جمال دوست: خدای متعال ابزار لازم برای دست‌یابی به کمال را به هر موجودی بخشیده و او را در مسیر کمالش هدایت کرده است: «وَبُنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى. ۳۴ و انسان را به نیکوترین صورت بیافرید.» و «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ. ۳۵»

خداوند ابزار لازم برای کمال و حرکت به سوی خود را در انسان پی‌نهاد است. حافظ در این باره گوید:

ای دل به کوی عشق‌گذاری نمی‌کنی اسباب جمع‌داری و کاری نمی‌کنی

استاد علامه حسن‌زاده آملی (دام‌ظله) می‌فرمودند: مرحوم علامه طباطبائی (رحمه‌الله)

این شعر حافظ را در اواخر عمر با حال حسرتی می خواندند؛ با اینکه قدمی استوار در عشق و عبودیت داشتند.

با عنایت به همین ابزار کمال است که امام زین العابدین (ع) در دعای ابو حمزه ثمالی می گوید:
 أَعْلَمُ... وَ أَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَ أَنْكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْبِبَهُمُ الْأَعْمَالُ
 دُونَكَ.

خدایا! می دانم هر کس به درگاہت کوچد، راهش نزدیک است و تو از بندگانت در حجاب و پرده نیستی جز اینکه کردارشان حجاب آنان در برابرت گردد.

بهترین توشه: قرآن کریم بهترین توشه سالکان الی الله را تقوای الهی معرفی می کند:
 «فَإِنَّ خَيْرَ الرِّزْقِ التَّقْوَى»^{۳۶} از حضرت امام موسی بن جعفر (ع) نیز نقل است که در دعای روز بیست و هفتم رجب به پیشگاه الهی عرضه می دارد:

قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرَادَةٍ بِخِتَارِكَ بِهَا وَ قَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ
 قَلْبِي.^{۳۷}

خدایا... به درستی که من دانستم بهترین توشه کسی که به سوی تو سفر می کند اراده استوار است که تو را با آن برگزیند. به درستی که قلبم با ارادهای استوار با تو مناجات می کند. می توان این کلام گهربار امام هفتم (ع)، را تفسیری برای آیه کریمه قرآن دانست.

اغتنام فرصت: حیات دنیا مهلتی بیش نیست؛ مهلتی برای زدودن نواقص و آمادگی برای دیدار خدای متعال نه ماندن و دل بستن بدان. حضرت امام سجاد (ع) در دعای مکارم اخلاق عرضه می دارد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اكْفِنِي مَا يَشْغَلُنِي الْإِهْتِمَامُ بِهِ وَ اسْتَقْبِلْنِي بِمَا تَسْتَلْنِي غَدًا عَنْهُ
 وَ اسْتَفْرِغْ أَيَّامِي فِيهَا خَلَقْتَنِي لَهُ.

بار خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و آنچه را اهتمام به آن مرا به خود مشغول می دارد، تو خود کفایت نما، مرا به کاری بگمار که فردا - روز رستاخیز - از آن بازپرسی خواهی کرد و ایام زندگانیم را در آنچه مرا برای آن خلق کرده ای، مصروف دار.

فلسفه حیات انسانی و کمال و سعادت ابدی در طاعت حق است. از این گذر امام (ع) در قسمتی دیگر از این دعا می آورد:

وَ عُمْرِي مَا كَادَ عُمْرِي بِذَلَّةٍ فِي طَاعَتِكَ إِذَا كَانَ عُمْرِي مُرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَأَقْبِضْنِي إِلَيْكَ قَبْلَ
 أَنْ يَسْبِقَ مَقْتُكَ، إِلَيَّ... .

و عمرم را مادام که در راه اطاعت تو صرف گردد، طولانی ساز؛ اما آن‌گاه که چراگاه شیطان شد، آن را از من بگیر، پیش از آنکه خشمم به سوی من شتاب گیرد

سرمایه طلب: راه طلب و بندگی راه فقر و نیاز است. باید در این راه به لطف و رحمت بی‌پایان حق نظر دوخت نه به طاعات و مجاهدات. حضرات معصومین (ع) در دعاها از سویی نظر به فقر و نیاز خود دارند و از سویی به رحمت و نظیر حق چشم دوختند و با بیانات مختلف سعی در جلب نظر او دارند. حضرت امیرالمؤمنین (ع) در دعای کمیل، سرمایه بنده را در طلب حق دعا، رجا و گریه می‌داند:

إِغْفِرْ لِي لَا يَلِيكَ إِلَّا الدُّعَاءُ... إِزْحَمَ مِنْ رَأْسِ مَا لِيهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ.

خدایا! ببخشای کسی را که چیزی جز دعا ندارد... رحم نما کسی را که سرمایه‌اش امید به تو است و سلاحش گریه.

حسن ظن به خدای متعال: حضرات معصومین (ع) گمان نیکو به خدای متعال داشتند و آن را با لطیف‌ترین بیانات برای جوشش رحمت الهی در پیشگاه خدا عرضه می‌داشتند. از آن جمله در دعای شعبانیه آمده است:

إِلٰهِ كَيْفَ آتَيْتَ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ تَمَاتِي وَ أَنْتَ لَمْ تُؤَلِّقْ إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي.

خدایا! چگونه نمودم از حسن‌نظر تو پس از مردنم با آنکه در زندگی جز نیکی از تو ندیدم. در قسمتی دیگر از همین دعا آمده است:

إِلٰهِ مَا أَظُنُّكَ تَرَدُّدِي فِي حَاجَةٍ قَدْ أَقْنَيْتَ عُمُرِي فِي طَلْبِهَا مِنْكَ.

خدایا! گمان ندارم رد کنی حاجتی را که عمری در پی آن بودم این‌گونه تعبیرات در دعای حضرات معصومین (ع) بسیار به چشم می‌خورد، که برای اختصار به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

اعتراف به گناه و لغزش: روایات و دعاهاى حضرات معصومین اعتراف به لغزش‌ها و خطاها را از وسایل مهم برای جلب نظر حق و غفران ربوبی به شمار آورده‌اند و در روایات از آداب و دعا بشمار آمده است.^{۳۸} در دعای شعبانیه آمده است:

وَ إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَ لَمْ يُدْنِي عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْأَقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَ سَيْلِي.

سر توحید در مقام مجاهدت و طلب: لطف و رحمت خدای متعال لحظه به لحظه از سالکان کوشش دست‌گیری می‌کند. راه نزدیک را به آنان می‌نمایاند و آنان را از موانع قرب و حجابها رهایی می‌بخشد. اگر لطف و رحمت او نبود، کسی توان رهایی و نجات نمی‌داشت. قرآن کریم در این باره چه روشن و زیبا می‌فرماید:

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ. ۳۹

اگر فضل و رحمت خدا بر شما نمی بود، هیچ یک از شما هرگز روی پاکی نمی دید، ولی خدا هر کس را بخواهد، پاکیزه می سازد.

خواست الهی بی حکمت نیست، او همگان را به سوی خود دعوت کرده است. و کسی را که صادقانه قدم در راه بهد و مجاهدت ورزد، پاک می گرداند و در مراتب قرب و ولایت پیشین می برد. حافظ در این باره گوید:

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

حضرات معصومین (ع) غرق در توحیدند. آنان در مجاهدت و طلب نیز نظری به خود و مجاهدات خویش ندارند و پیوسته به لطف و نظر کارساز الهی چشم می دوزند. حضرت امیر المؤمنین (ع) در دعای صبح عرضه می دارد:

إلهي إن لم تبتديني الرحمة منك بحسن التوفيق فمن السالك بي إليك في واضح الطريق وإن أسلمتني أنا ثقت لقائيد الأمل والتمني فمن الأقبل عتراتي من كبرياء الهوى وإن خذلتني ضرتك عند محاربة النفس والشيطان فقد وكلني خذلائك إلى حيث النصب والحزمان

خدایا! اگر در آغاز، رحمتت به من توفیق نیکو ندهد، پس چه کسی مرا در راهی آشکار به سویت پیش برد و اگر مهلت دادنت مرا تسلیم آرزو کند، کیست که لغزشهای مرا از زمین خوردنهای هوس جبران کند و اگر یاری تو مرا هنگام نبرد با نفس اماره و شیطان واگذار، این واگذاریات مرا به رنج و حرمان سپارد.

مجاهدت در طلب حق: حضرات معصومین (ع) نمونه های والای مجاهدت و بندگی بودند و در عبادت و بندگی خدای تعالی خود را به رنج و زحمت می افکندند. در روایات آمده است که چون رسول خدا (ص) نماز می خواند، بر انگشتان دو پای خود می ایستاد؛ چونان که انگشتان ورم کردند. پس خدای تعالی آیات اول سوره طه را نازل کرد که ای پیامبر ما بر تو قرآن نازل نکردیم تا خویش را به زحمت افکنی. ۴۰ طبرسی با سند خود از حضرت امیر المؤمنین (ع) نقل کرده است که رسول خدا (ص) ده سال بر سر انگشتان خود نماز خواند تا سرانجام قدم های مبارک آن حضرت ورم کرد و رویش زرد شد. آیات اول سوره طه نازل گردید و این زحمت را از وی برداشت. ۴۱ در حالات حضرت زهرا (ع) نیز آمده است که چندان در نماز می ایستاد که قدم های مبارکش ورم می کرد. ۴۲ درباره حضرت رضا (ع) آمده است که وقتی نماز صبح می خواند، پس از سلام نماز در جای نماز خود می نشست و به تسبیح، تحمید، تکبیر و تهلیل خدای متعال و صلوات می پرداخت

تا آفتاب برمی آمد و سپس سجده ای به جا می آورد و در همان سجده باقی می ماند تا روز برآید. ۴۳ آنچه آوردیم، فقط نمونه ای بود و گرنه ذکر مجاهدات حضرات معصومین (ع)، بسیار طول می کشد و کتابها طلب می کنند. حضرات معصومین (ع) در دعا توفیق عبادت و مجاهدت را از خدای متعال طلب می کردند. برای نمونه در دعای کمیل آمده است:

أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَغْفُورَةً وَبِحُدُومَتِكَ مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونُ أَعْمَالِي وَ أَوْرَادِي كُلُّهَا وَزِدًا وَاجِدًا ...

خدایا! از تو می خواهم اوقات شبانه روزم را با یادت آباد گردانی و پیوسته در خدمت خویش بداری، و اعمالم را بپذیری، تا کردار و اورادم هماهنگ و چون وردی واحد گردند...

ستایش خدای متعال و یاد نعمت ها: حضرات معصومین (ع) راز و نیاز با خداوند را با ستایش و ثنای الهی آغاز می کردند و نعمتهای بی شمار الهی را نام می بردند و از شکر آنها اظهار عجز و ناتوانی می کردند. این از آداب بندگی است و در روایات از آداب دعا و استجابت به شمار آمده است. ۴۴ برای نمونه امام حسین (ع) در دعای عرفه پس از ستایش و ثنای الهی غرق در یاد نعمت های الهی می گردد و از پیش از تولد آغاز و یک به یک نعمت های مادی و معنوی خدای متعال را یاد می کند. سپس در مقام اظهار عجز و ناتوانی از شمارش و ادای شکر این نعمتها می گوید:

وَ أَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيْمَانِي وَ عَقْدِ عَزْمَاتِي يَقِينِي... أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَ الْأَحْقَابِ لَوْ عُرِّتْهَا أَنْ أُوَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِنِعْمِكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِهٖ شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا.

خدایا! من گواهم به حقیقت ایمانم و تصمیمات یقینی ام و توحید صریح و خالصم...

موانع و لغزش های بندگی و طلب: پیمودن راه بندگی و طلب، جهاد اکبر است و سالک این راه لحظه به لحظه با موانع و لغزش های جدید روبه رو می شود و محتاج غفران و عنایتی نو از خدای متعال است. حضرات معصومین (ع) در دعاها موانع و لغزش های بسیاری را برشمرده اند و از خدای متعال برای زدودن آنها یاری خواسته اند. برخی از این موانع عبارت اند از: نفس، شیطان، فریب دنیا، هواها و آرزوهای طولانی، غفلت و گناهان، سستی و کوتاهی در طلب و مجاهدت و... تذکر این نکته لازم است که لغزش و موانعی که در دعاهای حضرات معصومین (ع) آمده است به تناسب مرتبه بالای وجودی آنان است و با آنچه ما از آنها می فهمیم، متفاوت است.

در دعای ابو حمزه امام (ع) در مقام جلب نظر خداوند متعال برخی از این موانع را برشمرده

است:

بارخدا یا! من هرگاه گفتم مهینا شدم و به نماز در پیشگاه تو ایستادم و با تو راز گفتم، چرتی بر من افکندی و حال مناجات با خود را از من گرفتی! چه شده است مرا که هر وقت گفتم درونم اصلاح شده و همتشین توبه کنندگان هستم، گرفتاری‌ای برایم رخ نمود که پایم را لغزاند و بین من و خدمتت جدایی افکند. ای آقای من! شاید مرا از درگاهت می‌رانی و از خدمتت دورم می‌افکنی یا شاید مرا می‌بینی که حقت را سبک می‌شمارم و از این رو مرا دور می‌کنی یا شاید مرا می‌بینی که از توری گردانم و بَدَم می‌داری، یا شاید مرا در مقام دروغگویان می‌یابی و دورم می‌اندازی، یا شاید می‌بینی که شکرگزار نعمت‌هایت نیستم و محرومم می‌کنی، یا شاید مرا در مجالس علما نمی‌یابی و مرا وامی‌گذاری... .

پی نوشتها:

۱. حسن‌زاده آملی دام ظلّه، حسن، نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور، قم، انتشارات تشیح، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ ه.ش، ص ۳۱.
۲. الکلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، با ترجمه حاج سید جواد مصطفوی، تهران، بی‌تا، جلد ۱، ص ۲۷.
۳. حسن‌زاده آملی دام ظلّه، حسن، مجموعه مقالات، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴، ص ۶۷.
- ۴ و ۵. امام خمینی (ره)، سید روح‌الله، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۸، جلد ۲۰، ص ۴۱۰.
۶. حسن‌زاده، آملی دام ظلّه، حسن، مجموعه مقالات، ص ۹۱، سید مرتضی در «امالی» از جانب رسول خدا صلی‌الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «القرآن مأذبه الله» سید مرتضی در امالی «مأذبه» به دو گونه معنا کرده است ۱- مأذبه با فتح و ضم دال طعام مهمانی است از این رو در قرآن طعامی است که همه را بر خوان گسترده آن دعوت کرده‌اند. ۲- مأذبه با فتح دال از ریشه «ادب» یعنی قرآن برای تأدیب مردم است.
۷. همان، ص ۴۹.
۸. همان، ص ۱۵۶.
۹. بقره، ۱۸۶.
۱۰. مومن، ۶۰.
۱۱. الکلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، جلد ۴، ص ۲۱۰ باب ۱ از ابواب دعا، حدیث اول، قال ابی جعفر: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ.
۱۲. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، با ترجمه، دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۳۷۹، جلد ۴، ص ۱۶۴۴. قال رسول‌الله: الدُّعَاءُ وَخُ الْعِبَادَةِ.
۱۳. الکلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، جلد ۴، ص ۲۴۵، باب ۹، حدیث ۳.
۱۴. دعا یاد خداست و تمام پرکاتی که در یاد خداست، در دعا هم موجود است. در کلمات قصار حضرت علی (ع) آمده است: الذکر مجالسة المصوب. ذکر مجالست با محبوب است. «تصنیف غرر الحکم و دررالکلم» تألیف عبدالواحد بن محمد تیمیمی آمدی، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ص ۱۸۹.
۱۵. قال النبی (ص): قال الله تعالى: من سَعَلَ ذِكْرِي عن مسئلتی اعطيتُهُ افضلَ ما أعطی للسانین. مصباح الشریعه، بیروت. مؤسسه الاعلامی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۰، ص ۱۳۴، باب ۲۶.

۱۶. همان.

۱۷. استاد شجاعی، محمد، مقالات، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۷۲، جلد ۳، ص ۳۵.
۱۸. سیزواری، ملاحادی، شرح الاسماء الحسنی، قم، مکتبه بصیرتی، ص ۲.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد ۴، ص ۱۶۵۲.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق، جلد ۴۲، ص ۷۵، حدیث ۳.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، تحقیق محمدحسین اسکندری، مؤسس آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۶، جلد ۱، ص ۲۶۴.
۲۲. اعراف، آیه ۱۷۹؛ مؤمنون، آیه ۶۰؛ نازعات، آیه ۸؛ ال عمران، آیه ۱۵۶؛ توبه، آیه ۱۵؛ انفال، آیه ۱۰۳ و....
۲۳. روایات یکی از شرایط اساسی اجابت دعا را حضور قلب معرفی می کنند. در روایات آمده است که به هنگام حضور قلب و رقت و شکستگی آن دعا کنید که وقت استجاب دعا است و خدا نزد قلب های شکسته است. رجوع کنید به اصول کافی جلد ۴، ص ۲۲۱، باب «الاقبال علی الدعاء» و میزان الحکمه، جلد ۴، ص ۱۶۵۸.
۲۴. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دار صادر، جلد ۲۰، ص ۲۵۱.
۲۵. حسن زاده آملی، حسن، نور علی نور، ص ۸۷ به نقل از انوار نعمانیته سید حزائری.
۲۶. کلینی، محمد، اصول کافی، جلد ۳، ص ۱۳۱، باب العبادة، حدیث ۳.
- ۲۷ و ۲۸. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد هشتم، ص ۳۷۸۷، باب العشق، حدیث ۱۳۰۲۳ و ۱۳۰۳۱.
۲۹. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت، دار صادر، جلد ۱۲، ص ۷۴.
۳۰. کلباسی، شیخ محمدرضا، انیسس الیل، قم، نشر روح، چاپ سوم، ۱۳۶۲ هـ. ش، ص ۵۲۱.
۳۱. حسینی مدنی، سیدعلی خان، ریاض السالکین، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ. ق، جلد ۳، ص ۴۳۳.
۳۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۹۴، با ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۳۳. سوره آل عمران، آیه ۳۱.
۳۴. طه، آیه ۵۰.
۳۵. تین، آیه ۴.
۳۶. بقره، آیه ۱۹۷.
۳۷. ابن طاووس، علی، الاقبال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۷، جلد سوم، ص ۲۷۷.
۳۸. کلینی، محمد، اصول کافی، جلد ۴، ص ۲۴۰، باب ۱۶ دعا، حدیث.
۳۹. نور، آیه ۲۱.
۴۰. کلینی، محمد، اصول کافی، جلد ۳، ص ۹۵۰، باب شکر، حدیث ۶، بازم رجوع شود به تفسیر قمی، تألیف علی ابن ابراهیم قمی، کتابفروشی علامه، جلد ۲، ص ۵۸.
۴۱. امام خمینی، سید روح الله، جهل حدیث، مرکز فرهنگی رجاء، چاپ اول، ۱۳۶۸ هـ. ش. به نقل از احتجاج طبرسی.
۴۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، جلد ۴۳، ص ۷۶.
۴۳. الحر العاملی، محمد، وسائل الشیعه، مکتبه الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۶۷ هـ. ش، جلد ۴، ص ۱۰۷۴.
۴۴. کلینی، محمد، اصول کافی، جلد ۴، ص ۲۴۰، باب ۱۶ دعا، حدیث ۸.